

اندیشه های حقوقی

موریس هوریو^۱

ترجمه: محمد جلالی^۲

چکیده

معرفی چهره های برجسته حقوقی و تبیین اندیشه های آنها یکی از دغدغه های اصلی نشریه حقوق اساسی است. به همین خاطر و به فراخور توان در شماره های آینده نیز تلاش خواهد شد تا حقوقدانان اساسی بزرگ جهان و ایران را به مشتاقان عرصه علم و معرفت معرفی نماییم. در همین جا از نویسندگانی که مایل به معرفی حقوقدانان ایرانی یا خارجی هستند، دعوت می شود تا آثار علمی و مستند خود را برای نشریه ارسال دارند. با عنایت به اینکه نشریه حقوق اساسی به سه زبان فارسی، فرانسه و انگلیسی منتشر می شود، نویسندگان می توانند نوشته های خود را به هر یک از زبانهای سه گانه مذکور به تحریر در آورند. البته از آنجا که متاسفانه چهره حقوق ایران و بالتبع حقوقدانان ایرانی در صحنه جهانی چندان شناخته شده نیست، معرفی چهره های بزرگ حقوق ایران به زبانهای خارجی امری ممدوح و مستحسن خواهد بود. بعنوان مثال شاید هنوز در کشور ما هیچ کتاب یا مقاله مستقلی در معرفی پیشگامان حقوقی کشور و نقد و تحلیل آثار و اندیشه های حقوقی آنان به رشته تحریر در نیامده باشد. بدیهی است با غلبه این وضعیت نقد گریزانه، انتظار توسعه و تعمیق اندیشه های حقوقی، انتظاری کاملاً خوشبینانه است. امیدواریم بتوانیم در شماره های آتی همگام با معرفی پیشگامان حقوقی جهان، به معرفی و نقد و تحلیل آثار بزرگانی چون زنده یاد دکتر ابوالفضل قاضی، دکتر سید محمد هاشمی، دکتر ناصر کاتوزیان و دیگر فرزاندگانی که به نحوی از انحا در بسط اندیشه های حقوق عمومی و بالأخص حقوق اساسی تأثیر گذار بوده اند، پردازیم.

در شماره حاضر اندیشه های **موریس هوریو** یکی از حقوقدانان کلاسیک و برجسته حقوق عمومی فرانسه مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است.

کلیدواژه ها: حقوق عمومی، حقوق اساسی، حقوق اداری.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۸۲/۷/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۲/۱۱/۲۹

^۲ Maurice Hauriou

^۳ دانشجوی دکتری حقوق عمومی - دانشگاه پاریس ۱

مقدمه

موریس هوریو هم زمان در حالی که مشغول مطالعات جدی خود در زمینه ی ادبیات (به ویژه فلسفه) و علوم بود، مطالعات خود در رشته ی حقوق را نیز در بوردو دنبال می کرد و در همین شهر بود که رساله ی پایان تحصیلات خود را در حقوق به سامان رسانید. موریس هوریو در ۱۸۸۲ با احراز رتبه اول در آنچه که در آن زمان «کنکور بزرگ» نامیده می شد، به کسوت استادی در آمد. (هوریو، دوگی^۴، میشو^۵، بارتلمی^۶ و... که همراه با ادمیر اسمین^۷ و ریموند کاره دو مالبرگ^۸ از جمله کسانی هستند که به عنوان بنیانگذاران حقوق عمومی مدرن در فرانسه شهرت دارند.)

موریس هوریو معتقد به مذهب کاتولیک و عامل به آن بود، اما اعتقادات او در آثارش ظهور و بروز خاصی نداشت: «من به این نتیجه رسیده ام که هیچ گاه در علوم اجتماعی، استدلالات متافیزیکی اثری ندارند و ما ناچاریم تا از آنها صرف نظر کنیم. به این ترتیب اگر شما به مخاطبان خود بگویید قدرت، بر گرفته از خداوند است، خواهید دید که آنها بی تفاوت خواهند بود، اما اگر بگویید که قدرت متعلق به نخبگان اجتماع است، در خواهید یافت که آنان با علاقه به خطابه شما گوش فرا می دهند.» (نامه ای به ژاک شوالیه^۹ ۲۷ آوریل ۱۹۲۱)

از نقطه نظر سیاسی، همانند بسیاری از شخصیت های دانشگاهی به دشواری می توان موریس هوریو را در دسته بندیهای سنتی جای داد. چرا که عقاید سیاسی وی دارای فراز و نشیب های بسیار و گاه متعارض بوده است. در برهه خاصی هوریو بسیار تحت تاثیر سیون دومارک سانیه^{۱۰} بوده، که از بنیانگذاران مکتب دموکراسی مسیحی است؛ گاه نیز سوسیالیسم انسان محور را تایید نموده، اما در مجموع نه به فضایل سوسیالیسم و نه کاپیتالیسم هیچگونه اعتقاد و باوری نداشته، بلکه به عکس گاهی واکنش های مخالفی نیز بروز داده است: «در نهایت از مکتب های جدید، مکتب های واقع گرا و فلسفه های نوین و نظریه های عینی که گوشه ایمان را ۳۰ سال پر کرده اند، خسته شدیم. واکنشی در حال ایجاد است که ما را به آرامی به سوی موضوعات قدیمی ذهنی و درون گرا سوق می دهد. تازه متوجه شدیم که زندگی اخلاقی بشر و در نتیجه زندگی اجتماعی او خیلی تحت تاثیر پدیده های مدرن نیست، بلکه به عکس تا حدود زیادی همانند قبل باقی مانده است و تنها بر روی تعداد بسیار محدود و معینی موضوع استوار است که در ماهیت تغییری ندارند. باعث شگفتی است اگر عصری از محافظه کاری و بازگشت افکار سنتی دوباره ظاهر نگردد.»

او همچنین اعتقاد داشت که «تار و پود تمامی حقوق از عناصر واحدی تشکیل یافته است.» به این معنا که احتمالاً دسته ای از اصول حقوقی فراگیر و برای همگان یکسانند و شاید تکنیک های حقوقی بسیاری ایجاد نشوند.

اگر برای موریس هوریو یافتن **قاعده ی حقوق**^{۱۱} از اهمیت زیادی برخوردار بوده است، اما مسئله ی اساسی جای دیگر بوده و آن «فرد» می باشد. «من نیز به این بد بینی سوسیالیسم و کاپیتالیسم معتقدم که بدی و شرارت تنها در

^۴ Duguít

^۵ Michoud

^۶ Berthélemy

^۷ Adhémar Esmein

^۸ Raymond carré de Malberg

^۹ Jacques Chevallier

^{۱۰} Sillon de Marc Sangnier

^{۱۱} La gaieled de droit

قوانین اساسی نیست، که به تدریج از آنجا نیز به سایر نهادها سرایت نماید. این انسان است که می بایست از طریق تلاش و تربیت اخلاقی شرارت ها را محو کند. «(نامه ای به یک روزنامه نگار ناشناس در تاریخی نامعلوم)

آثار هوریو متعدد و بسیار متنوع بوده است: موریس هوریو در حقیقت نویسنده ای پر کار بود؛ از این میان می توان به ویژه به دوره ی پیشرفته حقوق اداری (که مشهورترین آنهاست)، حقوق عمومی، حقوق اساسی و نیز تعدادی بی شمار از نوشته هایی که در مجموعه ی «Sirey» به چاپ رسانیده و نیز مقالات متعدد راجع به نهادها اشاره نمود. موریس هوریو خود را به دو وظیفه که به صورت تفکیک ناپذیری به هم متصل بودند، وابسته می دانست: حقوق و در راس آنها حقوق اداری و اساسی و نیز فلسفه حقوق. در یک کلام موریس هوریو را می توان معماری بزرگ در این زمینه ها دانست. موریس هوریو حقوقدانی قابل تحسین و گاهی شگفت انگیز بود که اغلب نظرهای متعارضی را درباره خود بر می انگیزت؛ پروسپروی^{۱۲} (که علاقه ای به هوریو نداشت) در جایی از ابهام های فوق العاده ای که توسط این نویسنده در حقوق اداری بوجود آمده اند شکایت نموده بود یا همچنین «جز^{۱۳}» که گفته بود: پرفسور هوریو به آسانی از طریق قیاس استدلال می کند. قیاس به نظر من شیوه ای از استدلال است که فارغ از عیب نیست؛ در حالی که خالی از هر گونه دقتی می باشد، اما استدلالی است که قابل رد و تکذیب نیست؛ چرا که رد یک تصویر امکان ندارد.

نگرش های فلسفی نیز که هوریو وارد حقوق نموده، به ویژه نظریه نهادها با واکنشهای متعدد و مختلفی رو به رو بوده است، بسیاری آنها را مبهم می دانند؛ با این حال می توان ادعا نمود که تقریباً هیچ نویسنده ای و هیچ نظریه حقوقی به این اندازه همگان را وادار به تفکر و تامل ننموده است.

هوریو در واقع پدر اصلی حقوق اداری است: او در زمان خود متوجه ویژگی خاص این شاخه از حقوق شد. ویژگی که از طریق اعطای امتیازات ویژه و خاص به اداره، این شاخه از حقوق را ممتاز می نماید.

موریس هوریو نظم خاصی را وارد حقوق اداری نمود که از طریق آن اصول و قواعد راهنما برای این شاخه از حقوق وضع و تدوین گردید. قبل از او و بر خلاف این رویه، حقوقدانان تصور می کردند که تمامی اعمال اداری از طریق قواعد حقوق مدنی قابل نظارت می باشند و این قواعد حقوق مدنی است که بر روی اعمال اداری بار می گردند. در حقیقت بر اثر افکار هوریو بود که شورای دولتی به طور سیستماتیک و گاهی حتی به صورت افراطی و بی فایده تمامی ارجاعات به حقوق مدنی را رد می نمود. اصل مبنا در این زمینه توسط دادگاه حل تعارض در رای بسیار مشهور «بلانکو»^{۱۴} مطرح گردید: «مسئولیت مدنی دولت در زمینه خسارات وارده به افراد حقوق خصوصی که توسط مستخدمین اداره ایجاد شده، نمی تواند از طریق اصول و قواعد موجود در قانون مدنی که برای رابطه دو طرفه افراد تابع حقوق خصوصی وضع شده، هدایت و حل و فصل گردد.»

^{۱۲} Prosper Weil

^{۱۳} Jèze

^{۱۴} Blanco

آنچه که به خصوص امروزه از این رای برداشت می شود، آن است که بر خلاف لئون دوگی که منشاء حقوق اداری را مرتبط با مفهوم «خدمات عمومی»^{۱۵} می دانست، هوریو پایه آن را بر روی مفهوم «قدرت عمومی»^{۱۶} استوار نمود.

از میان تجزیه و تحلیل های متعددی که هوریو ارائه داده بود، ما در اینجا فقط به دو نمونه از آنها اشاره ای گذرا می نماییم: **مفهوم دسته بندی های کار کردی و مفهوم اخلاق اداری.**

مفهوم دسته بندی های کار کردی در آثار هوریو نمودی آشکار ندارد، چرا که هوریو چندان به ضرورت منطق حساس نبوده است. در نظر او ساخت های حقوقی عناصری بیشتر از تکنیک را می طلبند: این ساخت ها به نوعی الهام هنری نیازمندند. یک بنای حقوقی در جای خود نه تنها اثر فنی، بلکه یک اثر هنری است. (نظم اجتماعی، عدالت و حقوق ۱۹۲۷ صفحه ۸۲۵)

این مفهوم ۲۵ سال بعد به وسیله ژرژ ودل در قالب یکی از برجسته ترین آثار در ادبیات حقوقی فرانسه سامان دهی شد: حقوق اداری شاید بیشتر از هر رشته دیگر حقوق در کنار مفاهیم مطلقا ماهوی خود، حاوی مجموعه ای از مفاهیم کار کردی نیز هست. مفاهیم دسته اول قادرند تا تعریفی کامل بر مبنای معیارهای منطقی معمول پذیرند و محتوای آنها به صورت انتزاعی برای همیشه تعیین گردیده است. استفاده از این مفاهیم بستگی به محتوای آنها دارد و این محتوا به استفاده از آن ارتباط نمی یابد. اما بر خلاف این مفاهیم، مفاهیم کار کردی به طرز متفاوت ساخته و ایجاد شده اند. مفاهیم مذکور مستقیما دارای نقشی هستند که به تنهایی به آنها نوعی وحدت واقعی اعطاء می نماید.

نسبی گرایی هوریو مانع این نبود که چنین بیاندیشد که میان خیر و شر تمایزی مطلق وجود دارد و این خیر و شر است که پایه تمدن های ما را شکل می دهد.

اخلاق اداری برای هوریو به نوعی امری فراتر از قانون گرایی بوده که در مقابل قدرت دولت قامت می نمایاند. به عنوان نمونه در نقد او بر رای **دل ولورانت** (۲۸، فوریه ۱۹۱۹) این مسئله کاملا مشهود است. در این پرونده فرماندار تولون به علت بروز برخی مسائل ناشی از جنگ فعالیت آمدوشد زنان روسپی در قهوه خانه های خارج از محلات مخصوص فعالیت آنها را ممنوع نموده بود. شورای دولتی نیز در رای خود درخواست تجدید نظر دو تن از زنان مزبور را رد کرده بود. موریس هوریو نیز در نقد خود، مفاد این رای را به صورت تلویحی تایید کرده، اما تعجب خود را از عدم استناد شورای دولتی در دعوای مذکور به قاعده حقوقی مشهور «عدم قابلیت استناد دعوای که منشا خلاف اخلاق دارند» بیان نموده بود: «به چه خاطر شورای دولتی با استفاده از یک جمله نخواست بفهماند که زن بارگی، اعمال مشروع یک حق یا آزادی فردی نیست، بلکه عملی قابل سرزنش است و اگر به صورت رسمی قابل سرزنش نیست به دلیل تساهل نسبت به آن است؛ منطقه الفراغ ناشی از تساهل درست نقطه مقابل قلمرو ناشی از حقوق می باشد...»

^{۱۵} Service public

^{۱۶} Puissance publique

۲. «نظریه نهاد ها» در حقیقت اوج نظریات بنیادین موریس هوریو به شمار می رود. قدرت دولت در مقابل فرد نه تنها می بایست محدود و کنترل شده باشد، بلکه پیچیدگی زندگی اجتماعی توازن موقتی ایجاد شده بین نیروهای متعارض را زیر سؤال می برد: نظم موقتی نقش تعدیل کننده ای را ایفا می نماید؛ نمونه های آن را می توان نه تنها در تفکیک قوا به شیوه ای که منتسکیو پیشنهاد کرده، بلکه همچنین در تمایز میان سیاست و مذهب، امور لشگری و کشوری و فرد و دولت مشاهده نمود.

مفهوم نهاد این امکان را می دهد تا پدیده های پیچیده ای نظیر تبعیت دولت از حقوق و محدودیت قدرت دولت را تبیین نمود: تبیین این پدیده ها از طریق تعدد نهاد ها که در بطن دولت ایجاد شده اند و نیز توازن موجود بین قوا صورت می گیرد.

از میان تعاریف متعددی که هوریو از نهاد ارائه داده، می توان به آخرین آنها اشاره نمود: «نهاد محصولی از اندیشه بشری است که در زمینه اجتماعی به صورت حقوقی در طول زمان نمود می یابد؛ برای اجرای این اثر قدرتی فراهم می گردد که برای به سامان رساندن آن سازمانهایی لازم می آیند؛ از سوی دیگر بین اعضاء گروه اجتماعی که علاقمند به عینیت بخشیدن به این محصول باشند، نشانه هایی از وحدت و اتفاق ظهور می نماید که از طریق سازمان ایجاد شده هدایت می شود و به وسیله آیین خاصی تنظیم می گردد.» (نظریه بنیاد و نهاد)

یکی از شاگردان قدیمی موریس هوریو چکیده مناسبی از این نظریه را ارائه داده است: «نهاد شامل سه عنصر است: ۱. اندیشه ایجاد آن ۲. بنیان گذاری که فکر ایجاد نهاد را کشف نموده و اجرای آن را بسط داده است و ۳. افرادی که با پذیرش اندیشه مزبور، در تحقق آن همکاری می نمایند.»

آثار اصلی: اصول حقوق اداری، چاپ اول ۱۸۹۲، چاپ یازدهم ۱۹۲۸؛ اصول حقوق عمومی چاپ اول ۱۹۱۰، چاپ دوم ۱۹۱۶؛ دوره جامع حقوق اساسی چاپ اول ۱۹۲۳؛ نقد هایی بر آراء شورای دولتی و دادگاه حل تعارض از ۱۸۹۲ تا ۱۹۲۸ که در مجموعه ای سه جلدی به نام او در ۱۹۲۸ به چاپ رسیده است.